

چهره‌های سیاسی بزرگ‌شدهٔ دنیا به جای گفت‌وگو بر سر مسائل اساسی درگیر اعتیاد و حواشی تمسخرآمیز زندگی شخصی هستند

سیاست در منقل ابتذال



خود ترامپ از مشاورانش پرسیده بود که آیا وعده‌های ماسک برای کاهش یک تریلیون دلاری هزینه‌ها واقع‌بینانه بوده‌است یا خیر.

در ادامه این گزارش آمده: «رئیس‌جمهور آمریکا و دستیارانش از دوران پرتلاطم تصدی ماسک ناامید و دچار تردیدند.»
وال‌استریت ژورنال همچنین به نقل از مقام‌های آمریکایی فاش کرده که اختلاف‌هایی بین ترامپ، دستیارانش و ماسک در موضوع‌های مربوط به خاورمیانه وجود داشته که در جریان جلسه‌های وزیران کابینه ترامپ علنی شده‌است.
خبر خروج ماسک از دولت ترامپ یک هفته پس از آن منتشر می‌شود که وی ۳۱ اردیبهشت سال جاری گفته بود در آینده «بسیار کمتر» در سیاست خواهد بود که نشان‌دهنده عقب‌نشینی بزرگ‌تر بین حامی مالی کارزار انتخاباتی ترامپ و یکی از جنجالی‌ترین چهره‌هایی است که در دولت او ظهور کرده‌اند.
مدیرعامل تسلا در این مصاحبه همچنین گفت: «فکر می‌کنم از نظر سیاسی، در آینده خیلی کمتر کار خواهیم کرد.»
وقتی از او درباره دلیل این تصمیم پرسیده‌شد، ماسک گفت: «فکر می‌کنم به اندازه کافی کار کرده‌ام.»
یکی از نکات برجسته این ماجرا، کیبودی قابل توجه روی صورت ماسک در کنفرانس مطبوعاتی بود که گمانه‌زنی‌های بسیاری را برانگیخت. برخی رسانه‌ها از جمله نیویورکتایمز، این کیبودی را به شایعات مربوط به مصرف مواد مخدر توسط ماسک مرتبط دانستند. نیویورکتایمز ادعا کرد که ماسک در طول مبارزات انتخاباتی ۲۰۲۴، نه‌تنها به‌صورت گاه‌به‌گاه بلکه به‌طور مزم‌ن از موادی مانند کتامین، اکستازی و روان‌گردان‌ها استفاده می‌کرده‌است. این گزارش به جزئیاتی اشاره کرد که ماسک خود نیز اعتراف کرده مصرف‌بیش از حد کتامین باعث مشکلات جسمانی، از جمله تأثیر بر مثانه‌اش شده

جهان سیاست در سال‌های اخیر شاهد تحولاتی بوده که بیش از پیش نشان‌دهنده افت سطح گفت‌مان سیاسی و تبدیل آن به نمایش‌های رسانه‌ای و جنجال‌های سطحی است. دو ماجرای اخیر که یکی به ایلان ماسک، کارآفرین و مدیرعامل شرکت‌های تسلا و ایکس و دیگری به امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه مربوط می‌شود، به خوبی این روند را به تصویر می‌کشد. این دو ماجرا که یکی به کناره‌گیری ماسک از سمت دولتی و شایعات مرتبط با اعتیاد او گره خورده و دیگری به حواشی رسانه‌ای ماکرون در سفرهای بین‌المللی که به شائبه اعتیادش و همچنین سیلی خوردن از همسرش حین خروج از هواپیما مربوط بود، نشان‌دهنده آن‌است که سیاست جهانی به جای تمرکز بر مسائل اساسی مانند اقتصاد، دیپلماسی و بحران‌های جهانی، درگیر جنجال‌های شخصی و نمایشی شده‌است.

ماجرای اخیر ایلان ماسک و امانوئل ماکرون، اگرچه در ظاهر به مسائل شخصی و حاشیه‌ای مربوط می‌شوند، اما در بطن خود نشان‌دهنده یک بحران بزرگ‌تر در سیاست جهانی هستند. ابتذال سیاست که با جنجال‌های رسانه‌ای و نمایش‌های سطحی همراه است، باعث شده ادبیات سیاسی از مسائل اساسی به حاشیه‌ها منحرف شود. این روند که با ظهور شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال شدت گرفته، باعث شده سیاستمداران و رهبران جهان به جای تمرکز بر حل مشکلات واقعی، درگیر مدیریت تصویر خود در رسانه‌ها شوند.

ماسک مالی اعتیاد

ایلان ماسک، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های فناوری و تجارت در جهان، در ماه‌های اخیر به دلیل نقش آفرینی‌اش در دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا توجهات بسیاری را به خود جلب کرده بود. ماسک که به‌عنوان رئیس «وزارت بهروری دولت» (DOGE) منصوب شده بود، وظیفه‌ای حساس و جاه‌طلبانه برای کاهش هزینه‌های دولت آمریکا بر عهده داشت. این وزارتخانه که ایده‌ای غیرمتعارف به نظر می‌رسید، قرار بود با استفاده از تخصص ماسک در مدیریت و کارآفرینی، هزینه‌های دولت فلرال را تا یک تریلیون دلار کاهش دهد. اما این ماجرا که در ابتدا با امیدواری همراه بود، به‌سرعت به یکی دیگر از شکست‌های دولت ترامپ تبدیل شد. ماسک در کنفرانس مطبوعاتی در دفتر بیضی شکل کاخ سفید اعلام کرد همکاری‌اش با دولت آمریکا به پایان رسیده‌است. او سپس در مطلبی که از طریق شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد، از دونالد ترامپ بابت فرصتی که به او داده‌شده تشکر کرده و بران امیدواری کرده که «وزارت کارآمدی دولت» همچنان به کاستن بودجه و پرسنل دولت فدرال با هدف «کارآمد» کردن آن و صرفه‌جویی در بودجه ادامه دهد. ماسک همچنین با اشاره به وزارت کار آآمدسازی دولت آمریکا تأکید کرد: «ما موریت وزارت کار آآمدسازی در طول زمان قدرتمندتر خواهد شد و به سبک زندگی در سراسر دولت تبدیل خواهد شد.»
کاخ سفید اعلام کرد این سمت محمودیت زمانی ۱۳۰ روزه داشته و پایان آن برنامه‌ریزی شده بود، اما گزارش‌های رسانه‌ای، از جمله وال‌استریت ژورنال، روایت دیگری را ارائه کردند. این گزارش‌ها حاکی بود که دونالد ترامپ و دستیارانش از عملکرد ماسک ناامید شده‌اند و حتی

شدت ایران ستیزی شبکه‌های فارسی زبان خارجی، صدای سردبیر اسبق بی‌بی‌سی را هم درآورد

فارسی‌زبانان صهیونیست



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

«محتوای شبکه‌های فارسی زبان خارجی انعکاس‌دهنده منویات موساد است.» کمتر کسی باور می‌کند که سردبیر سابق بی‌بی‌سی چنین جمله‌ای را به زبان آورده باشد. این شبکه‌ها سال‌هاست با نقاب وطن دوستی، هویت خود را فروخته و چوب حراج به ایران زده‌اند. این خیانت تا جایی پیش رفته که حتی برخی چهره‌های درون این رسانه‌ها هم صدایشان درآمده‌است.

محمد منظرپور، سردبیر سابق بی‌بی‌سی و صدای آمریکا، با افشاگری‌ای مهم پرده از حقیقت این وطن فروشان برمی‌دارد: «این رسانه‌ها، خواسته یا ناخواسته، بلندگوی سیاست‌های اسرائیل و حزب لیکود شده‌اند.» او در فایل صوتی‌ای که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، فاش می‌کند که محتوای این شبکه‌ها، از شعارهای تند قومی و فمینیستی گرفته تا حمایت از تحریم‌های فلج‌کننده و تهدیدات نظامی، نه برای نجات ایران، بلکه برای تجزیه و تضعیف آن طراحی شده‌است. منظرپور تأکید می‌کند که این رسانه‌ها، از بی‌بی‌سی فارسی تا ایران اینترنشنال، عملاً به «رادیو اسرائیل» تبدیل شده‌اند و هدفی جز تفرقه‌افکنی ندارند. از سوی دیگر، محمد سهیمی، استاد دانشگاه کالیفرنیا هم در گفت‌وگویی با منظرپور، ایران اینترنشنال را به باد انتقاد می‌گیرد و می‌گوید: «این شبکه به دنبال جنگ است، نه صلح؛ و با تبلیغ تحریم و جنگ طلبی، به مردم ایران خیانت می‌کند.» این شکاف در درون مدت‌هاست در میان جریان ایران‌ستیز ایجاد شده و روز به روز شدیدتر می‌شود. جریانی که تنها وجه مشترکشان با ملت ایران زبان فارسی است و قرابت دیگری با این سرزمین و مردمش ندارد.

در خدمت لیکود اسرائیل

در سال‌های اخیر، رسانه‌های فارسی زبان خارجی مانند بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال، من و تو و رادیو فردا به‌عنوان منابع خبری و تحلیلی برای مخاطبان ایرانی شناخته شده‌اند. این رسانه‌ها با ادعای نمایندگی از منافع مردم ایران، محتوای خود را به زبان فارسی تولید کرده و تلاش دارند خود را به‌عنوان صدای مردم ایران معرفی کنند. اما بررسی دقیق‌تر عملکرد و محتوای این رسانه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها، خواسته یا ناخواسته، در مسیری حرکت می‌کنند که بیش از آنکه به نفع مردم ایران باشد، به اهداف سیاسی و استراتژیک قدرت‌های خارجی، به‌ویژه اسرائیل و برخی جریان‌های خاص در ایالات متحده، خدمت می‌کند. محمد منظرپور، روزنامه‌نگار و سردبیر سابق بخش فارسی بی‌بی‌سی و صدای آمریکا، در اظهاراتی جنجالی که اخیراً منتشر شده، به صراحت از ارتباط نزدیک رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی با اهداف و سیاست‌های اسرائیل سخن گفته‌است. او در فایل صوتی که از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، اعلام کرد: «کارمندان بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال و من و تو، در خدمت موساد و اسرائیل درآمده‌اند. محتوای این شبکه‌ها انعکاس‌دهنده منویات موساد است و خروجی همه آن‌ها یک چیز است: تلاش برای تجزیه طلبی و اختلاف‌افکنی در ایران.» منظرپور که سال‌ها در رسانه‌های پر مخاطب بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی و صدای آمریکا فعالیت کرده و تجربه حضور در اسرائیل به‌عنوان خبرنگار خاورمیانه بی‌بی‌سی را در کارنامه دارد، از جایگاه یک فرد آگاه به پشت‌پرده این رسانه‌ها

انگشت ماکرون توسط رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، به سوزه‌ای برای تمسخر و انتقاد از ماکرون تبدیل شد. ماکرون در پاسخ به این جنجال‌ها، با لحنی تند و در عین حال تلاش برای حفظ ظاهر، ویدئوی سیلی خوردن از همسرش را ساده و بی‌اساس خواند و از رسانه‌ها خواست تا آرامش خود را حفظ کنند. با این پاسخ، جنجال‌ها فروکش نکرد و در ادامه با واکنش دونالد ترامپ و ایلان ماسک به آن دامن زده شد. پس از آن که خبرنگار فاکس نیوز، پیتروسی، در دفتر بیضی از رئیس‌جمهور پرسید: «هفته گذشته ویدئویی در هواپیما پخش شد که نشان می‌داد بانوی اول فرانسه به همسرش امانوئل ماکرون، سیلی می‌زند، آیا توهیب‌ای از یک رهبر جهانی به یک رهبر جهانی دیگر در مورد ازدواج دارید؟» ترامپ که انتخاب خودش و اظهارات زنده‌اش در مورد مباحث مختلف نمادی از ابتذال سیاسی دنیاست و بعضی از اظهاراتش را حتی نمی‌توان بازنشر داد در پاسخ با کنایه‌ای طنزآمیز گفت:

«مطمئن شوید که درهای هواپیما همچنان بسته‌است.»

در حین همین پاسخ ایلان ماسک که خبرهایی در مورد اعتیادش منتشر شده و کیبودی چشمش در طول رویداد جمعه قابل مشاهده بود، سعی کرد با کنایه زدن به ماکرون کیبودی زیر چشمش را که برخی به اعتیادش ربط می‌دهند ماست مالی کند. او با لحنی کنایی توضیح داد که کیبودی زیر چشمش هیچ ربطی به بریزیت ماکرون، همسر رئیس‌جمهور فرانسه ندارد.

او با اشاره طنزآمیز به ماجرای سیلی خوردن امانوئل ماکرون، گفت: «نه، این کار بریزیت نبود.» ماسک در ادامه گفت: «داشتم با پسرم لیل ایکس بازی می‌کردم، بهش گفتم یزن تو صورتم، و اونم زد.»

پیامدهای ابتذال سیاست

ماجرای ماکرون و ویدئوهای جنجالی‌اش بازتاب‌دهنده کاهش سطح سیاست به نمایش‌های رسانه‌ای و جنجال‌های شخصی است. در حالی که فرانسه و آمریکا با اختلاف‌نظرهای فاحشی در مورد مسائلی مانند جنگ اوکراین و مدیریت بحران غزه مواجه هستند، رهبران این دو کشور به جای تمرکز بر این مسائل، درگیر حواشی پی‌درپی و تمسخر یکدیگر شده‌اند.

پیامدهای این روند برای سیاست جهانی و اعتماد عمومی بی‌اعتمادی به نهادهای سیاسی و درک نوعی ابتذال از سیاست در جهان معاصر است. در مورد ماسک، شایعات مربوط به اعتیاد او و کیبودی صورتش، نه‌تنها اعتبار او به‌عنوان یک کارآفرین موفق را زیر سؤال برد، بلکه باعث شد اقدامات ناکارآمد وزارت بهروری دولت آمریکا نیز نادیده گرفته شود. به جای بحث درباره اینکه آیا ماسک توانسته به وعده‌های خود برای کاهش هزینه‌های دولت عمل کند یا خیر، رسانه‌ها و افکار عمومی درگیر شایعات شخصی شدند. در مورد ماکرون نیز جنجال‌های رسانه‌ای باعث شد او به‌عنوان یک رهبر ضعیف و مضحک در افکار عمومی جان دیده شود. این ابتذال همچنین تأثیرات عمیقی بر روابط بین‌المللی دارد. در حالی که آمریکا و فرانسه در موضوعاتی مانند جنگ اوکراین و بحران غزه با یکدیگر اختلاف دارند، تمسخر و جنجال‌های رسانه‌ای باعث شده این اختلافات به جای بحث‌های دیپلماتیک، در قالب شوخی‌ها و کنایه‌های شخصی مورد واکنش قرار بگیرند تا مسیر لاینحل گذاشتن این مسائل و دامن زدن به تنش‌های جهانی همچنان تداوم داشته باشد.

گرفته‌است. منظرپور در یکی از اظهاراتش به ارتباط این شبکه با رضا پهلوی اشاره می‌کند و می‌گوید: «پس از آخرین سفر رضا پهلوی به اسرائیل، تصمیم گرفتند شبکه من و تو را تعطیل کنند و کیوان عباسی، مدیر این شبکه، قرار است رسانه‌ای اختصاصی برای رضا پهلوی در لس‌آنجلس تأسیس کند.» سفر رضا پهلوی به اسرائیل در سال ۲۰۲۳ و دیدار او با مقامات ارشد این رژیم، از جمله بنیامین نتانیاو، واکنش‌های گسترده‌ای در میان ایرانیان داشت. عبدالله گنجی، تحلیلگر سیاسی، در واکنش به این سفر نوشت: «موساد با دعوت از پهلوی نشان داد که پشت پرده هادایت اپوزیسیون را در دست دارد. این دعوت نشان‌دهنده تصمیم اسرائیل برای محوریت دادن به پهلوی در میان اپوزیسیون است.» این اظهارات در کنار آنچه منظرپور در باره برون‌سپاری پروپاگاندا ی ضدایرانی به اسرائیل می‌گوید، حکایت از نیت واقعی آن‌ها دارد. رسانه‌هایی همچون من و تو، با حمایت از چهره‌هایی مانند پهلوی به بازوی رسانه‌ای این جریان‌ها تبدیل شده‌اند و به جای تمرکز بر مشکلات واقعی مردم ایران، به تبلیغ ایده‌هایی می‌پردازند که در نهایت به نفع اربابان‌شان است.

اپوزیسیون درتله

منظرپور در گفت‌وگویی دیگر به وضعیت اپوزیسیون خارج از کشور و وابستگی آن به حمایت‌های خارجی اشاره می‌کند. او می‌گوید: «ابر سامانه اپوزیسیونی که در خارج از کشور وجود داشت، متکی به امید به ترامپ و نتانیاو‌ها برای براندازی بود. اما با چند مصاحبه، این ساختار از هم پاشید و حالا اپوزیسیون در بحران است.» رضا فانی، کشتگر سیاسی، نیز در تأیید این موضوع می‌گوید: «روای فروپاشی نظام ایران، به‌ویژه پس از تحولات سوریه، در میان اپوزیسیون اوج گرفت. اما این گروه‌ها نه شناخت درستی از ترامپ دارند و نه روابط قوی با لابی‌های قدرت. در نتیجه، با قطع بودجه و حمایت‌ها، اپوزیسیون دچار فروپاشی داخلی شده‌است.»

فرکانس کشندگی اپوزیسیون خارج از کشور و وابستگی آن به قدرت‌های خارجی، از لایه‌لای این کلمات صادر می‌شود. رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال و من و تو، با برجسته کردن این جریان‌ها و دادن تریبون به آن‌ها، به نوعی به این توهم دامن زده‌اند که تغییر رژیم در ایران با حمایت خارجی ممکن است. اما همان‌طور که فانی اشاره می‌کند، این گروه‌ها فاقد تحلیل درست و برنامه مشخصی برای آینده ایران هستند و صرفاً به‌عنوان ابزارهایی در دست اسپانسرهایشان عمل می‌کنند.

وابسته‌تر از همیشه

بازخوانی اظهارات سهیمی، فانی و منظرپور که خود روزگاری جزء عوامل یکی از شبکه‌های ضد ایرانی بوده‌اند، نشان می‌دهد رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی، با وجود ادعای نمایندگی از مردم ایران، در عمل در خدمت اهدافی هستند که با منافع ملی ایران همخوانی ندارد. این رسانه‌ها با تمرکز بر موضوعاتی مانند تجزیه طلبی، حمایت از تحریم و تهدیدات نظامی و برجسته کردن اختلافات قومی و اجتماعی، به جای حل مشکلات مردم ایران، به تفرقه و تضعیف کشور دامن می‌زنند. نیاززی به اثبات نیست و کافی است چند دقیقه پتان آن این شبکه‌ها ببینشید. محتوایی که برای مخاطب نمایش داده می‌شود، با وضوح بالایی نشان‌دهنده وابستگی به سیاست‌های خارجی، به‌ویژه رژیم صهیونیستی و برخی عوامل تنش‌زای غرب است.



و می‌گوید: «این شبکه به دنبال جنگ است و وظیفه‌اش آگاه‌سازی مردم ایران در باره عواقب فاجعه‌بار جنگ نیست. کسانی که زمانی در ایران اعتبار داشتند، حالا پای ثابت این شبکه شده‌اند و با تبلیغ خط جنگ‌طلبی، به مردم ایران خیانت می‌کنند.»

سهیمی تأکید می‌کند که ایران اینترنشنال و امثال آن، برخلاف ادعاهایشان، به سود مردم ایران فعالیت نمی‌کنند. او می‌گوید: «این رسانه‌ها مخالف مذاکرات بین ایران و آمریکا هستند و به جای هشدار در باره تبعات جنگ‌های خاورمیانه که آمریکا در ۲۵ سال گذشته به آن‌ها انداخته، به تبلیغ جنگ و تحریم می‌پردازند.» این اظهارات نشان‌دهنده یک الگوی مشخص در عملکرد این رسانه‌هاست: «حمایت از سیاست‌هایی مانند تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی که بیشتر آسیب را به مردم عادی ایران وارد می‌کند.» تحریم‌هایی که معیشت میلیون‌ها ایرانی را تحت فشار قرار داده و تهدیدات نظامی که می‌تواند به فجایع انسانی منجر شود، به گونه‌ای در این رسانه‌ها عادی‌سازی می‌شوند که گویی این اقدامات به نفع مردم ایران است. منظرپور نیز در اظهاراتی دیگر به نقش ایران اینترنشنال در ایجاد فضای جنگ‌طلبی اشاره می‌کند. او با طعنه به سیگنال‌های ارسالی این شبکه می‌گوید: «وقتی ترامپ از عبوران ایران صحبت می‌کرد، انگار تحریریه ایران اینترنشنال آماده حمله نظامی به ایران بود. سیگال‌هایی که از این شبکه دریافت می‌شد، حتی از ارتش اسرائیل یا اظهارات مقامات آمریکایی تندتر بود.»

من و تو و بی‌بی

شبکه من و تو نیز از دیگر رسانه‌هایی است که در سال‌های اخیر به دلیل جهت‌گیری‌های سیاسی و حمایت از جریان‌های اپوزیسیون، مورد انتقاد قرار